

جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی در تقسیمات سازمانهای بین المللی

این مقاله در روزنامه اطلاعات ۱۳۷۶/۹/۱ چاپ گردیده است

سیدمهدی ساداتی نژاد

اشاره

بخش نخست مقاله و جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی در تقسیمات سازمانهای بین المللی را پنجشنبه گذشته مطالعه کردید.

در این مقاله قلمرو سازمان کنفرانس اسلامی و اصول اهداف این سازمان تشریح شده است.

در پی بخش دوم و پایانی این مقاله از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

در مورد این که کشورهای اسلامی شامل چه کشورهایی هستند دو تفسیر وجود دارد:

۱- کشور اسلامی به کشوری اطلاق می شود که دولت آن اسلامی و دین رسمی آن دولت اسلام باشد همانند ایران و کویت.

۲- کشور اسلامی کشوری است که اکثریت مردم آن مسلمان باشند. این گروه از کشورها را می توان به

صورت زیر تقسیم بندی کرد:

الف- کشورهای مسلمان نشینی که حکومت آنها را گاه غیرمسلمانان در اختیار دارند نظیر کشور نیجریه که

رئیس جمهور آن مسیحی است اما اکثریت مردم تبعه آن مسلمان هستند.

ب- کشورهای مسلمان نشینی که دین رسمی معین ندارند نظیر ترکیه.

بنابراین هر دو تفسیر در مورد کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی مصداق دارد.

۲- روش عضویت و خروج از سازمان کنفرانس اسلامی

نحوه عضویت کنفرانس اسلامی بدین صورت خواهد بود که یک کشور داوطلب تمایل و آمادگی جهت

اجرای منشور این سازمان را تسلیم دبیرخانه می نماید. درخواست در اولین جلسه کنفرانس وزرای امور خارجه

مطرح می شود و پس از کسب موافقت دو سوم از اعضای سازمان آن کشور به عضویت کنفرانس اسلامی در

می آید.

نحوه خروج از سازمان کنفرانس اسلامی بدین شکل است که هر یک از کشورهای عضو می تواند با تسلیم

یادداشتی کتبی به دبیر کل و ابلاغ به همه کشورهای عضو از عضویت این کنفرانس خارج شود.

در صورت تحقق مرحله اول چنین کشوری باید تعهدات مالی خود را تا پایان سال مالی که در آن سال

درخواست خروج از عضویت کرده است بپردازد. همچنین سایر بدهی های مالی دیگر را در قبال کنفرانس دارد

بپردازد.

اعضای ناظر و میهمان

در منشور سازمان کنفرانس اسلامی از پذیرش اعضای ناظر یا میهمان ذکری به میان نیامده است. سابقه پذیرش عضو ناظر به اجلاس هشتم وزرای امور خارجه باز می گردد. در آن اجلاس موضوع عضویت جبهه آزادبخش مورو از فیلیپین بعنوان ناظر مطرح شد اما کشورهای اسلامی در مورد پذیرش عضو ناظر به اجماع دست نیافتند و موضوع مسکوت ماند. سرانجام دبیرخانه کنفرانس اسلامی پیش نویسی را در این زمینه تهیه و به اجلاس وزرای امور خارجه ارسال داشتند مقرر شد پس از طرح موضوع در اجلاس کارشناسی وزرای امور خارجه جهت تصویب نهایی به اجلاس بیست و دوم وزرای امور خارجه تسلیم شود.

در مورد حضور اعضای میهمان در اجلاس کنفرانس اسلامی باید گفت سازمانها نهادها و حتی شخصیتهای مبرز بین المللی درخواست خود مبنی بر حضور در اجلاس سران یا وزرای خارجه کنفرانس اسلامی را به ریاست اجلاس (کشور میزبان) ارائه می دهند. پس از اعلام موافقت رئیس اجلاس اقدامات اجرایی لازم که شامل تشریفات مربوط به دعوت از شخصیت حقوقی یا حقیقی میهمان است از سوی دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی انجام می شود.

رای گیری در سازمان کنفرانس اسلامی

در هر سطح از اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی اعم از سران یا وزرای امور خارجه هر عضو دارای یک رأی می باشد در مجمع عمومی تصمیمات راجع به مسائل مهم صلح و امنیت بین المللی و... بر اساس دو سوم حاضرین در جلسه و رای دهندگان اتخاذ می شود. تصمیمات راجع به سایر مسائل که از اهمیت درجه دوم برخوردار است با اکثریت ساده یعنی پنجاه به علاوه یک رای دهندگان و حاضرین در جلسه اتخاذ می گردد.

ترتیب اخذ آراء

رای گیری بر حسب شرایط و مقتضیات به دو ترتیب انجام می شود

۱- رای گیری علنی: رای دادن معمولاً به وسیله بلند کردن دست انجام می گیرد.

۲- رای گیری مخفی: این روش در صورت پیشنهاد یک یا دو عضو در اجلاس (اعم از اجلاس سران یا وزرای خارجه) به شرط تصویب اکثریت اعضا اعمال می شود)

انواع آراء و تعاریف آنها

کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در اجلاس هیه های کنفرانس اعم از نشست های سران یا وزرای خارجه به منظور ابراز واکنش در قبال توصیه نامه ها و یا قطعنامه ها یا قطعنامه های تنظیم شده و بر اساس نقطه نظرات و اهدافی که در پی آن هستند از انواع آراء بهره می گیرند که در زیر به آنها اشاره می شود.

۱- رای مثبت: اعلام موافقت کشور عضو کنفرانس اسلامی با تمام مفاد سند یا قطعنامه

۲- رای منفی: ابراز مخالفت قطعی یک کشور با تمامی مفاد و قطعنامه مطروحه است

۳- رای ممتنع: این رای نه مثبت و نه منفی است و به عبارت بهتر خنثی است.

۴- تحفظ: در لغت به معنای نگهداشتن، احتیاط کردن است و در اصطلاح یعنی کشوری حق مخالفت خود را نسبت به موضوع معینی رزرو نماید. در صورتی که تحفظ یک کشور در مورد یکی از بندهای یک قطعنامه باشد تحفظ نسبت به آن بند رای منفی به آن تلقی می شود اما نسبت به سایر بندهایی که اعلام تحفظ نکرده است رای مثبت خواهد بود.

۵- سکوت در اجلاس: معنایش این است که آن کشور در جلسه حاضر نیست و جز و اعضای حاضر و رای دهنده محسوب نمی گردد. سکوت جزو رای های احصا شده نمی شود. این رفتار حقوقی در کنفرانس در زمانی اعمال می گردد که ملاحظات خاصی نسبت به طرفین با اطراف ذیربط به موضوع آن قطعنامه وجود دارد. مثلاً نمی خواهند سایر کشورها از موضع دقیق آن کشور نسبت به موضوع ذیربط مطلع شوند.

۶- خارج شدن از اجلاس در حین رای گیری این رفتار نشانه آن است که کشور می خواهد تا سؤال یا شبهه ای در اذهان سایر حاضرین خطور نکند و مثلاً سایر کشورها چنین تلقی نکنند که فلان کشور حاضر بود. اما رای نداد و سکوت کرد. یادآور می شود که آرای یاد شده در تماس سازمانهای معتبر جهانی بکار گرفته می شود. این آرا نه تنها در سازمان کنفرانس اسلامی بلکه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز ساری و جاری است.

با عنایت به آنچه از نظر گذشت ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که رای گیری در اجلاس سران و وزرای خارجه علی الاصول به اجماع در مورد موضوع مطروحه منتهی می شود. به عبارت دیگر کشورهای اسلامی در راستای نیل به یکی از اهداف مندرج در منشور سازمان که افزایش همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو است سعی بر آن دارند که از تشت آرا اجتناب کرده و به اجماع برای تأیید بار و موضوع مطروحه دست یازند.

در این میان نمایندگان کشورهای اسلامی با ابحت پیرامون بندهای مورد اختلاف در یک قطعنامه یا بیانیه تلاش می کنند به گونه ای نقطه نظرات نماینده کشور یا کشورهایی که دارای دیدگاهی خاص هستند تأمین نمایند. از این رو بندرت اجلاس سران یا وزرای خارجه در رای گیری با آرای ناهمگون مواجه می شوند.

www.Sadatinejad.ir

ظهور عصر جدید در سیاست های جهانی

مقدمه: پرچم ها و هویت های فرهنگی

دیدار محققین روسی و آمریکایی در سوم ژانویه سال ۱۹۹۲ در سالن اجتماعات ساختمان دولتی واقع در مسکو انجام شد. در حالیکه دو هفته قبل از آن حیات اتحاد جماهیر شوروی خاتمه یافته و فدراسیون روسیه متولد شده بود. بدین سالن مجسمه لنین که قبلاً زینت بخش سالن بود برداشته و در عوض پرچم فدراسیون روسیه در دیوار سالن در اهتزاز بود. البته به قول یکی از آمریکاییهای تیزبین حاضر در کنفرانس تنها مشکل باقی مانده این بود که پرچم را وارونه افراشته بودند. البته بعد از تذکر وی به روسها سریعاً و به آرامی اشتباه خود را در اولین دقت تنفس تصحیح کردند.

در سالهای پس از جنگ سرد شاهد آغاز بروز تغییر جدی در هویت های مردم و نشانه های هویت آنها بودیم. سیاست های جهانی دوباره در امتداد خطوط فرهنگی شکل می گیرند. وارونه افراشته شدن پرچم حاکی از دوره انتقالی است لیکن پرچم های بسیار زیادی نیز به صورت درست افراشته شده اند و روسها و سایر مردم در پس آنها و در پس سایر نشانه های هویت فرهنگی جدیدشان یسیج می شوند و رژه می روند.

در ۱۸ آوریل ۱۹۹۴ در شهر ساریوو دو هزار نفر با در دست داشتن پرچمهای عربستان سعودی و ترکیه تظاهرات کردند. مردم ساریوو با حمل این پرچمها به عوض پرچمهای سازمان ملل متحد و ناتو یا آمریکا هویت خود را با هم کیشان مسلمان خود یافتند و بدین سان به جهانیان اعلام کردند که دوستان واقعی و دوستان غیرواقعی آنها چه کسانی هستند. در ۱۶ اکتبر سال ۱۹۹۴ نیز در لوس آنجلس هفتاد هزار مکزیکی که با حمل پرچم مکزیک دریایی از پرچم مکزیک را تشکیل داده بودند به مخالفت با طرح نظرخواهی عمومی

شماره ۱۸۷، که در صورت تصویب مهاجرین غیرقانونی و فرزندانشان را از بسیاری از امتیازات اجتماعی محروم می کرد دست به تظاهرات زدند. ناظران عینی از خود می پرسیدند که چرا این مردم در حالیکه پرچم مکزیک را در خیابانهای لوس آنجلس حمل می کنند از امریکا آموزش مجانی مطالبه می کنند قاعدتاً آنها باید پرچم آمریکا را حمل کنند و نه مکزیکی را. دو هفته بعد جمعیت بیشتری این بار با حمل وارونه پرچم آمریکا تظاهرات کردند. این پرچم ها موفقیت طرح نظرخواهی عمومی شماره ۱۸۷ را که با کسب ۵۹ درصد آرا مردم کالیفرنیا به تصویب رسیده بود نشان می داد. در جهان پس از جنگ سرد پرچم ها و همچنین سایر نشانه های هویت فرهنگی از جمله صلیب، هلال و حتی پوشش سر با ارزش شده اند. زیرا فرهنگ اهمیت پیدا کرده و هویت فرهنگی برای اکثر مردم بسیار مفید معنا شده است. مردم هویت های جدید و اغلب کهن را کشف می کنند در زیر پرچم های جدید و غالباً کهنی که آنها به جنگ یا دشمنان جدید و غالباً دیرین رفته اند رژه می روند یک جهان بینی ناخوشایند برای عصر جدید به خوبی توسط اهریمن ملی گرای و نیزی در داستان ددلاگون نوشته مایکل دیبیدین ابراز شده دوستان واقعی نمی توانند بدون دشمنان واقعی وجود داشته باشند تا وقتی که ما از چیزی که نیستیم متنفر نباشیم نمی توانیم به آنچه هستیم عشق بورزیم. اینها حقایق کهن هستند که پس از یک قرن و اندی آنها را دوباره با شعارهای احساسی می یابیم. کسانی که آنها را انکار می کنند در واقع خانواده میراث فرهنگ حق طبیعی و خوشتن خویش را منکر می شوند آنها براحتی بخشوده نخواهند شد. دولتمردان و یا محققین نمی توانند وجود حقیقت تلخ نهفته در این حقایق کهن را نادیده بگیرند. برای مردمی که در پی هویت و کشف مجدد قومیت خویشند وجود دشمن ضروری است و دشمنی های بالقوه بسیار خطرناک در امتداد گسل میان تمدنهای عمده جهان روی می دهد.

موضوع اصلی کتاب این است که فرهنگ و هویت های فرهنگی در گسترده ترین سطح هویت های تمدنی خوانده می شوند. روندهای یکپارچگی چند پارگی و منازعات دنیای پس از جنگ سرد را شکل می دهند. مسائل جانبی این طرح اصلی در پنج بخش کتاب تشریح می شود.

بخش اول: سیاست های جهانی برای نخستین مرتبه در تاریخ هم چندقطبی است و هم چند تمدنی تجدید گرایی از غرب گرایی فاصله می گیرد نه مولد یک تمدن جهانشمول به مفهوم دقیق آن است و نه جوامع غیرغربی را غربی می کند.

بخش دوم: توازن قدرت در بین تمدنها در حال تغییر است. نفوذ نسبی غرب رو به کاهش است تمدنهای سیاسی خود هستند جمعیت جهان اسلام همراه با عواقب بی ثبات کننده آن برای کشورهای اسلامی و همسایگانشان تا حد انفجار در حال ازدیاد است و تمدنهای غیرغربی عموماً بر ارزشهای فرهنگی خود پافشاری می کنند.

بخش سوم: یک نظم جهانی مبتنی بر مدن در حال ظهور است جوامعی که از شباهت های فرهنگی برخوردارند با یکدیگر همکاری دیگر انجام می شود ناموفق اند و گره بندی کشورها در اطراف کشورهای کانونی یا پیشتاز تمدنشان صورت می گیرد.